



بررسی و تحلیل باستان‌شناختی الگوهای استقرار محوطه‌های قرون میانه اسلامی

شهرستان نمین، اردبیل

بابک بهشید^۱

۱ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. نویسنده مسئول: bbehshid@gmail.com

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵	
واژگان کلیدی: الگوی استقرار محوطه‌های اسلامی شهرستان نمین استان اردبیل	شهرستان نمین، واقع در شرقی‌ترین بخش استان اردبیل، یکی از کانون‌های مهم استقرار و رفت و آمد جوامع انسانی در طول دوره‌های مختلف تاریخی بوده است. اما، با وجود غنای آثار مادی و فرهنگی، پژوهش‌های باستان‌شناختی بسیار محدود در این منطقه انجام شده و نیازمند مطالعات منسجم باستان‌شناختی است. بدین منظور برای تکمیل اطلاعات باستان‌شناختی منطقه، بررسی باستان‌شناسی باهدف شناسایی و مستندنگاری محوطه‌های دوران اسلامی حوزه جنوبی شهرستان نمین در سال ۱۳۹۷ توسط نگارنده انجام شد. پژوهش حاضر نتایج حاصل از بررسی فوق بوده و این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل است: ۱- مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان نمین کدامند؟ ۲- الگوی پراکنش محوطه‌های استقرار دوران اسلامی شهرستان نمین چگونه بوده است؟ روش انجام کار، بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای است؛ همچنین برای تحلیل داده‌های فرهنگی و الگوهای استقرار از نرم‌افزار GIS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محوطه‌های استقرار علاوه بر متأثر بودن از عوامل جغرافیایی از عوامل مهمی چون شرایط سیاسی و امنیت و اقتصاد معیشتی مناسب تأثیر گرفته است. در قرون میانه اسلامی با افزایش محوطه‌های کوچ‌رو و ظهور محوطه‌های مرکزی بزرگ ارتباط محوطه‌ها با سلسله‌مراتب و انواع مدل‌ها صورت گرفته است.

* استناد: بهشید، بابک (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل باستان‌شناختی الگوهای استقرار محوطه‌های قرون میانه اسلامی شهرستان نمین، اردبیل. پیام

باستان‌شناسی، ۱۶(۳۱)، ۱۴۷-۱۵۶. DOI: 10.83078/peb.2024.1101044

مقدمه

گورهای کلان سنگی مناطق طالش و شرق اردبیل را می‌توان نخستین فعالیت باستان‌شناسانه در استان اردبیل و شهرستان نمین برشمرد (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۵۴؛ De Morgan, 1905: 127). وی در تالش ایران و روس و نهایتاً اطراف نمین به کاوش پرداخت که به کشف آثاری از نیمه دوم هزاره دوم ق.م تا اوایل هزاره اول ق.م (عصر آهن) دست‌یافت (علیزاده، ۱۳۹۵؛ علیزاده، ۱۳۹۷: ۲۲۵). بررسی باستان‌شناسی مقدماتی کل استان اردبیل از طرف اداره میراث فرهنگی استان در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ خورشیدی که منجر به شناسایی و ثبت آثار معدودی مربوط به دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی در سطح استان و شهرستان نمین شد. همچنین بررسی باستان‌شناختی شمال شهرستان نمین در پاییز سال ۱۳۹۴ به سرپرستی محمد علیزاده که منجر به شناسایی و تهیه پرونده ثبتی و معرفی تعداد ۱۷۵ محوطه مربوط به دوران پیش‌ازتاریخی، تاریخی و اسلامی شد؛ همچنین شناسایی ۳۰ محوطه اسلامی طی بررسی تحقیقاتی نگارنده در سال ۱۳۹۷ به منظور انجام رساله دانشجویی در بخش جنوبی (ویلکیج) شهرستان نمین، از جمله پژوهش‌های میدانی و تحقیقاتی انجام‌گرفته بر روی محوطه‌های اسلامی و قبل از آن در حوزه شهرستان نمین بوده است.

فعالیت باستان‌شناسی دوران اسلامی استان اردبیل، برخلاف سایر دوره‌ها بسیار کمتر مورد توجه بوده و کاستی‌ها و ضعف‌های بنیادینی در این زمینه است. دوران اسلامی این منطقه، بیشتر متکی به فعالیت‌های انجام‌شده در محوطه‌های از قبیل جمعه مسجد اردبیل (یوسفی، ۱۳۹۸)، اولتان قلعه‌سی مغان (علیزاده، ۱۳۸۶)، برزند قلعه‌سی گرمی (محمدی، ۱۳۹۷)، پتل سویی انگوت (طهماسبی، ۱۳۹۸)، قلعه آلاجوق انگوت (محمدی، ۱۳۹۸)، اوجاق آرتاویل تاپیر (ستارنژاد، ۱۴۰۰) بوده است. آسیب‌شناختی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون بررسی درباره محوطه‌های اسلامی شهرستان نمین

شهرستان نمین در قسمت شرقی پهنه شمال غربی ایران قرار دارد. در این منطقه برخلاف غنای آثار فرهنگی، پژوهش‌های باستان‌شناختی بسیار محدودی انجام‌شده و همین عامل سبب‌گردیده تا دانسته‌های جامعه علمی از وضعیت دوره‌های فرهنگی، توالی و الگوی استقرار محوطه‌های آن بسیار ناقص باشد. بر همین اساس، برای دست‌یابی به اطلاعات نسبتاً جامع از وضعیت فرهنگی منطقه و پراکنش محوطه‌های آن نیازمند بررسی‌های منسجم باستان‌شناختی برای دست‌یابی به دوره‌های فرهنگی و توالی آن ضروری است. انسان بر زیست‌بوم پیرامونش آنچنان تأثیر گذاشته که جزعی از آن واقع شده است و در واقع سازگاری پیدا کرده است. برای شناخت ویژگی‌های و رفتارهای انسانی قطعاً باید زیست‌بوم و عواملی را که تأثیرگذار بر نوع زیست‌بوم است را مورد مطالعه و تجزیه تحلیل قرارداد.

به این منظور در سال ۱۳۹۵ بررسی باستان‌شناختی و در سال ۱۳۹۷ بررسی تحقیقاتی در این شهرستان باهدف شناسایی محوطه‌های دوران اسلامی انجام شد. در این پژوهش ضمن مستندنگاری اطلاعات جامع و اولیه هر محوطه، بر اساس نرم‌افزار GIS به تحلیل عوامل جغرافیایی در شکل‌یابی، توسعه و حتی فروپاشی این محوطه‌ها پرداخته و تحلیل جامع و علمی به‌عمل‌آمده است. ضرورت انجام چنین پژوهشی زمانی مشخص می‌شود که اطلاعات باستان‌شناختی از شهرستان نمین عموماً متکی به نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی ژاک دمورگان فرانسوی بوده است (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۵۴). نتایج این کاوش، شناخت نسبی از وضعیت گورهای این منطقه را نشان داده، این در حالی است که نیمه شرقی شمال غرب ایران، در دوره‌های مختلف فرهنگی، از جایگاه مهمی برخوردار بوده و نیازمند پژوهش‌های مستقل برای هر دوره است. بررسی‌های دمورگان فرانسوی در دهه آخر قرن نوزدهم میلادی باهدف شناسایی و سپس کاوش

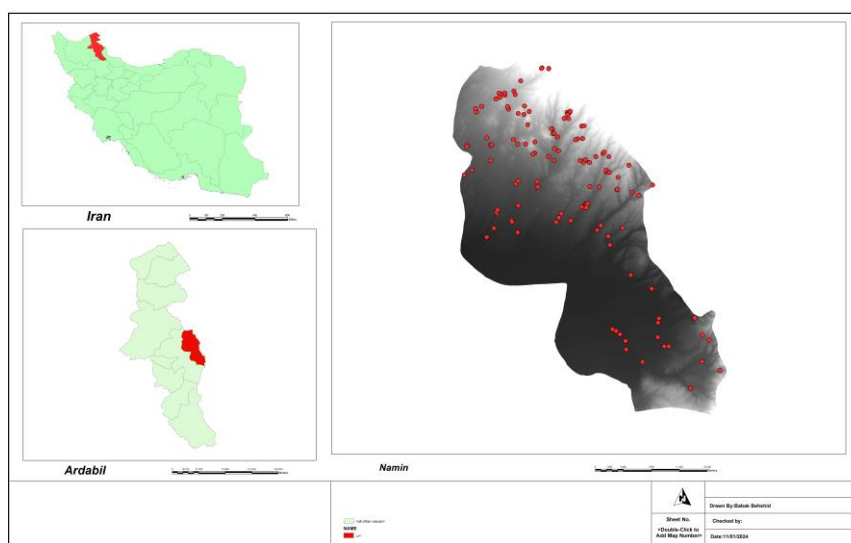
موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

شهرستان نمین در شرق استان اردبیل و در شرقی‌ترین بخش آذربایجان ایران (شکل ۱) واقع شده که از شرق هم‌مرز با استان گیلان، از شمال با جمهوری آذربایجان و از غرب با شهرستان اردبیل و از جنوب با شهرستان خلخال، در میان دو نوع آب‌وهوای معتدل و مرطوب حاشیه خزری و سرد و کوهستانی سیلان جای گرفته است (خامچی، ۱۳۷۰: ۵۰۶)، محور آستارا - حیران - اردبیل (گردنه حیران) محور ارتباطی منطقه شمال ایران با آذربایجان است که از این شهرستان می‌گذرد و از محورهای مهم ارتباطی در طول تاریخ محسوب می‌گردد (یوسفی و حقی، ۱۳۹۳: ۳). این شهرستان مساحتی بالغ بر ۲۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به یک‌صد هزار نفر داشته و به سه بخش مرکزی، عنبران و ویلکیج تقسیم می‌شود. همچنین، بیش از یک‌صد روستا در این شهرستان وجود دارد (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۹: ۱۷۳). این منطقه را از نظر جغرافیایی می‌توان به دو قسمت شرق و شمال شرقی که کاملاً کوهستانی و جنگلی است و بخش غرب و جنوب غرب که تقریباً هموار و به‌صورت دشت است تقسیم کرد. کوه‌های تالش (باغرو) که در شرق شهرستان قرار دارد به‌عنوان مرز طبیعی با استان گیلان محسوب می‌شود (عرفانی نمین، ۱۳۸۹: ۲۷).

انجام‌شده و نیازمند پژوهش‌های منسجم علمی است. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های پیش رو است: ۱- مهم‌ترین عامل شکل‌گیری محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان نمین چه بوده است؟
۲- الگوی پراکنش محوطه‌های استقرار دوران اسلامی شهرستان نمین چگونه بوده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در شیوه بررسی میدانی ضمن بررسی سطحی محوطه‌های دوران اسلامی، قطعات سفالی شاخص هر محوطه برداشت‌شده ابعاد محوطه‌های استقرار و عوامل جغرافیایی نیز و ویژگی‌های محوطه ثبت گردید و سپس مستندنگاری محوطه‌ها انجام شده است. پس از آن، بر اساس مطالعات تطبیقی - تحلیلی یافته‌ها و قطعات سفالی و مقایسه آنها با سفال‌های شاخص عم عصر در محوطه‌های شاخص و آمارگیری به مطالعه داده‌های فرهنگی پرداخته و گاهنگاری نسبی برای هر محوطه ارائه شده است. همچنین، برای تحلیل الگوهای پراکنش محوطه‌ها از نرم‌افزار GIS بهره گرفته‌شده و نقشه‌های پهنه‌بندی از شاخصه‌های جغرافیایی با پراکنش محوطه‌های استقرار طراحی و ترسیم شد.



شکل ۱: موقعیت شهرستان نمین در نقشه ایران و پراکندگی استقرارهای آن (نگارنده، ۱۴۰۳).

محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان نمین

در بررسی باستان‌شناختی انجام‌شده سال ۱۳۹۴ در بخش مرکزی و عنبران شهرستان نمین به سرپرستی دکتر محمد علیزاده (که نگارنده نیز به عنوان معاون و عضو هیئت حضور داشت و با کسب مجوز کتبی از ایشان) تعداد ۱۰۵ محوطه دوران اسلامی شناسایی شد (علیزاده، ۱۳۹۵: ۸۹۱). به‌منظور تحلیل الگوی استقرار و گاهنگاری نسبی محوطه‌ها بررسی فوق انجام شد و طی بررسی تحقیقاتی نگارنده از سال ۱۳۹۶ علاوه بر بررسی‌های مجدد محوطه‌های شاخص شمال استان به‌منظور دستیابی و جمع آوری مواد فرهنگی و قطعات بیشتر سفالین، در بخش جنوبی (ویلکیج) شهرستان نمین تعداد ۳۰ محوطه قرون میانه اسلامی شناسایی و مستند نگاری گردید. برای مستند نگاری این محوطه‌ها ضمن ثبت اطلاعات خود محوطه اعم از وسعت، ارتفاع، داده‌های فرهنگی سطحی محوطه، آسیب‌شناسی محوطه و عوامل جغرافیایی و محیطی هر محوطه همچون دسترسی به منابع آبی، فاصله از راه‌های ارتباطی، مراتع و زمین‌های پیرامون، ارتفاع از سطح دریا، شیب و نوع بافت خاک نیز توجه شد. گاهنگاری هر محوطه، عموماً متکی به گونه شناسی و مطالعه تطبیقی قطعات سفالی بود. قطعات سفالی هر محوطه را بر اساس متغیرهای چون فرم، رنگ لعاب، تزیین با نمونه‌های گاهنگاری شده در سایر محوطه‌های اردبیل و سایر مناطق مورد مطالعه و تطبیق قرارگرفت. محوطه‌های شناسایی‌شده عموماً متعلق به سده میانی (سلجوقی و ایلخانی) و صفوی بوده است. محوطه‌های مورد بررسی دارای ویژگی‌های مشترک از قبیل: ۱- عموماً اطراف روستاهای امروزی قرار دارند. ۲- در میان مردم منطقه به‌خوبی شناخته‌شده‌اند. ۳- اسامی چون خرابه یثری، اوچوخ یئر و قلعه یثری دارند. این محوطه‌ها عموماً تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و یا عوامل سیاسی زیر هستند و الگوی پراکنش آن‌ها وابسته به این عوامل است.

عوامل محیطی مؤثر بر سکونتگاه‌ها

عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری نوع و میزان تراکم محوطه‌های باستانی شامل عوامل محیطی و تاریخی است. عوامل محیطی نظیر ارتفاع زیاد از سطح دریا، وجود راه‌های طبیعی به سمت دشت در کنار وجود چراگاه‌های کوهستانی در فصول گرم سال، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری اجتماعات کوچرو است (طایفه قهرمانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۲). فاصله از رودخانه از این جهت دارای اهمیت بالایی در شکل‌گیری سکونتگاه‌ها دارد که وجود آب منجر به تشکیل خاک حاصلخیز و مرغوب ناشی از نهشته‌های آب رودخانه و سرشار از مواد معدنی و در کنارش رطوبت لازم و پوشش گیاهی کافی چه برای دامداری و چه کشاورزی است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۹: ۱۷۴) (شکل ۲).

پوشش گیاهی منطقه برای کشاورزی و مرتعی خوب و کافی برای دام است و غنای پوشش گیاهی باعث افزایش تمرکز سکونتگاه‌ها است (یوسفی و حقی، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷). شهرستان نمین به دلیل نوع اقلیم بین کوهستانی و حاشیه خزری و با توجه به تغییرات و طبقات ارتفاعی مختلف در منطقه نمین شاهد تنوع پوشش گیاهی اعم از درختان جنگلی بلوط، فندق، ازگیل تا گیاهان مرتعی هستیم، (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۹: ۱۷۵). بافت خاک نیز تأثیر بسزایی در میزان و سرعت رشد و تراکم گیاهان و نقش مهمی در شکل‌گیری سکونتگاه‌ها به علامه بستری بر ساخت خانه‌ها و به‌عنوان مصالح بناها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و هرچه خاک مرغوب و غنی حاوی مواد معدنی باشد باعث افزایش محوطه‌های استقرار موقت و دائمی در آن منطقه می‌شود (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۹: ۱۷۷). سطح ارتفاعی زمین به جهت جذب میزان رطوبت و ایجاد شرایط آب و هوایی گوناگون تأثیر به‌سزایی در ماهیت و الگوی ساختاری سکونتگاه‌ها دارد از ایجاد اقلیم مختلف چون دامنه، دشت، تپه و قلعه گرفته تا باعث رشد بافت و پوشش گیاهی خاص در آن سطح ارتفاعی شیوه

معماری و فرهنگ) باهم داشتند (De Morgan, 1905:127) اقوامی چون «کاسی‌ها» و «کادوسی‌ها» که شواهد حضور آن‌ها به واسطه وجود گورهای «دلمن/ چهارچینه سنگی بزرگ» به اثبات رسیده است. «کادوسیانی» که بعدها «گل‌ها» آن‌ها را «کادوسیان»، «کاسیان» و غیره نامیدند با «گوتیان» و «کاسیان» قرابت داشتند (دیاکونوف، ۱۳۸۱: ۳۵؛ عرفانی نمین، ۱۳۸۹: ۴۱). محل سکونت و حکومت کادوسیان از کرانه غربی سفیدرود تا رود کور و ارس گسترده بوده است. از جهت غربی طارم و خلخال و نمین را در برمی‌گرفت. که منطقه کوهستانی و صعب‌العبور بود (عبدلی، ۱۳۷۸: ۳۱). کاسیان هم از سرزمین‌های شمالی و قفقاز به ساحل غربی دریای خزر مهاجرت کردند و به تدریج در مناطقی مانند طالش، اردبیل و اطراف دریای خزر ساکن شدند و همانند کادوسیان به پرورش اسب اهمیت می‌دادند (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۵۵). از این زمان به بعد تا زمان ورود اعراب به آذربایجان مردم منطقه نمین بر آیین خود (زرتشتی) بودند. یعقوبی تصویر بهتری از مردم منطقه ارائه داده است: اهالی شهرها و استان‌های آذربایجان از «عجم‌های» کهن «آذریه» و «جاودانیه» هستند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۸۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۹: ۲۴۵؛ طبری، ۱۳۶۸: ۱۹۸۱) و آتشکده‌ها هنوز پابرجاست.

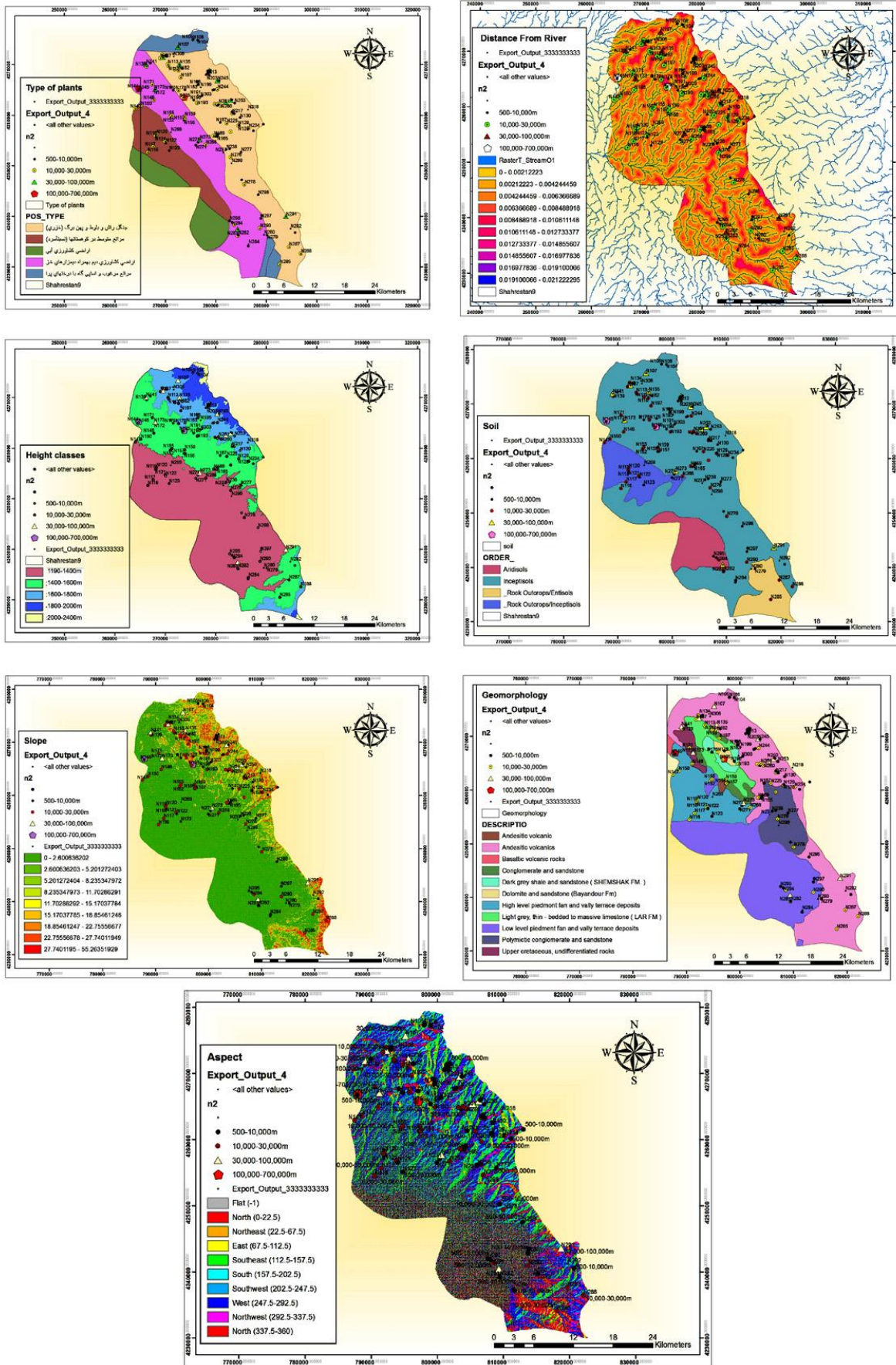
به دلیل شرایط خوب آب‌وهوایی و استعداد خوب کشاورزی به تدریج این مناطق تحت تصرف اعراب قرار گرفت. در سده‌های نخستین اسلامی چندین بار جنبش‌های ملی مذهبی مختلفی علیه حکومت اعراب در آذربایجان و منطقه نمین و طالش رخ داد (مستوفی، ۱۳۸۱: ۷۸). بعد از فرونشستن این جنبش‌ها، در میانه سده سوم هجری ساجیان و در سده چهارم هجری سالاریان و سپس سلجوقیان در سده پنج هجری اردبیل و آذربایجان و اران حکومت کردند (بویل، ۱۳۸۵). امیر یعقوب برادرزاده طغرل مدتی در آذربایجان و اردبیل حکمرانی کرد (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

سکونتگاهی خاص و ایجاد بستر مناسب سکونت است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

زمین‌ریخت‌شناسی مطالعه اجزای اصلی تشکیل‌دهنده ناهمواری‌ها است و از روش اصولی توصیف علمی ناهمواری شامل شناسایی اجزای متفاوت عوارض زمین و چگونگی روابط بین آن‌ها و طبقه‌بندی این عوارض به صورت سیستماتیک بهره می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۳: ۴۶). همچنین شیب زمین باعث جذب بیشترین مقدار آب باران و برف و رطوبت و نور خورشید برای رشد گیاهان به‌ویژه مرتعی و همچنین اسکان عشایر و جوامع کوچرو بیشتر در منطقه و به وجود آمدن مراتع و زمین حاصلخیزی برای خوراک دام و همچنین کشاورزی می‌شود، (یوسفی و حقی، ۱۳۹۳: ۶۰). جهت شیب نیز جهت حداکثر تغییرات شیب است (رامشت، ۱۳۸۹: ۳۵). شکل زمین در جهات گوناگون دارای ساختارهای متفاوتی است. از این نظر دارای اهمیت برای سکونتگاه‌ها است که در برابر خطر سیلاب‌ها امن بوده، از نور آفتاب بیشتری بهره می‌برده و همچنین پناهگاه مناسبی در برابر باد بوده است. از گذشته‌ها، بهترین مکان‌ها هم از نظر میزان و هم جهت شیب برای سکونت موقت و دائمی مدنظر قرار می‌گرفت (طایفه قهرمانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۴) (شکل ۲).

عاملیت سیاسی و مسیر ارتباطی امن

ثبات حکومت و امنیت از جمله عوامل انسانی تأثیرگذار بر شیوه سکونت الگوی زیستگاه در سده‌های میانی اسلامی است و بهترین روشی که می‌شود به این مسئله پی برد هم به لحاظ نوع ساختار و همچنین فاصله از راه ارتباطی است و در پژوهش میزان همبستگی بین فاصله از مسیر ارتباطی با تعداد سکونتگاه‌های دائمی و موقت ما را به میزان تأثیر این عامل بر نوع شکل‌گیری محوطه می‌رساند. شهرستان نمین پیش از اسلام شاهد حضور اقوام مختلفی بود. بر طبق نظر دمورگان ساکنین اولیه نمین و آستارا و حاشیه دریای خزر (کاسپی) ارتباط تنگاتنگی (از نظر ساختار



شکل ۲: نقشه پراکنش محوطه‌های استقراری نسبت به عوامل محیطی (نگارنده، ۱۴۰۳).

مثال در زمان ایلخانان مغول که سکونت مبتنی بر کوچروی افزایش یافت.

جمع‌بندی

در این پژوهش سؤالات مطرح‌شده شامل: پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱- مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان نمین چه بوده است؟ ۲- الگوی پراکنش محوطه‌های استقراری دوران اسلامی شهرستان نمین چگونه بوده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محوطه‌های استقراری علاوه بر متأثر بودن از عوامل جغرافیایی از عوامل مهمی چون شرایط سیاسی و امنیت و اقتصاد معیشتی مناسب تأثیر گرفته است.

در قرون میانه اسلامی با افزایش محوطه‌های کوچرو و ظهور محوطه‌های مرکزی بزرگ ارتباط محوطه‌ها با سلسله مراتب و انواع مدل‌ها صورت گرفته است. با توجه به وسعت محوطه‌های باستانی در قالب چهار نوع محوطه با وسعت بیشتر از ۱۰ هکتار به‌عنوان استقرارهای دائمی (محوطه‌های مرکزی خیلی مهم) محوطه‌های با وسعت مابین ۳ تا ۱۰ هکتار به‌عنوان محوطه‌های استقراری دائمی محوطه‌های بین یک تا سه هکتار به‌عنوان محوطه‌های نیمه‌کوچرو و محوطه‌ای استقراری کمتر از یک هکتار به‌عنوان محوطه‌های کوچرو موقت طبقه‌بندی شدند. در کنار وسعت محوطه‌های استقراری، حجم پراکنش سفالی و فضاهای معماری و ارتباط با سایر محوطه‌ها نقشه میان‌یابی با کمک GIS از ارتباط محوطه‌های کوچک‌تر و موقت با محوطه‌های استقراری بزرگ‌تر و دائمی و نقش مکان‌های مرکزی به‌دست آمد و تمرکز این محوطه‌های کوچرو در ارتباط با محوطه‌های مرکزی مشخص شد. پراکنش محوطه‌های کوچک‌تر بیشتر در بخش‌های مرکزی تا شرق و شمال شرقی (بیشتر دشت‌ها حتی دامنه‌ها) و بافاصله و در حاشیه سکونتگاه‌های مرکزی و دائمی است. این ویژگی نشان‌دهنده راه‌های ارتباطی باستانی از جنوب‌غربی به سمت شرق و شمال‌شرقی است. همچنین،

در زمان ملک‌شاه، ملک جمشید حاکمیت محال اردبیل، طالش و ویلکیج را داشت (عرفانی، ۱۳۸۹: ۶۴). در زمان غازان خان مغول، عالیشاه از خویشاوندان او حاکم منطقه ویلکیج و آستارا شد (همان: ۶۷). اواخر قرن ۸ و اوایل قرن نه تیمور برای لشکرکشی به سمت گرجستان مدتی در این مناطق بسر برد (بریون، ۱۳۹۷: ۱۶۶). از اجداد صفویان فیروزشاه زرین کلاه اطراف گیلان و اردبیل به فرمانداری تعیین شد که بعدها به ارشاد مردم این نواحی پرداخت. زمان شیخ صفی نیز بجهت خویشاوندی‌اش با شیخ زاهد گیلانی و از نوادگان باباروشن که (مزارش در همین مناطق است) خانقاه‌هایی در منطقه مزبور برای ارشاد مردم به تصوف و تعالیم دینی وجود داشت (خنجی، ۱۳۸۲: ۲۵۷)، بدین سبب و به جهت امنیت و آب‌وهوای مساعد، شاهان و بزرگان صفوی همواره به این منطقه رفت‌وآمد داشتند.

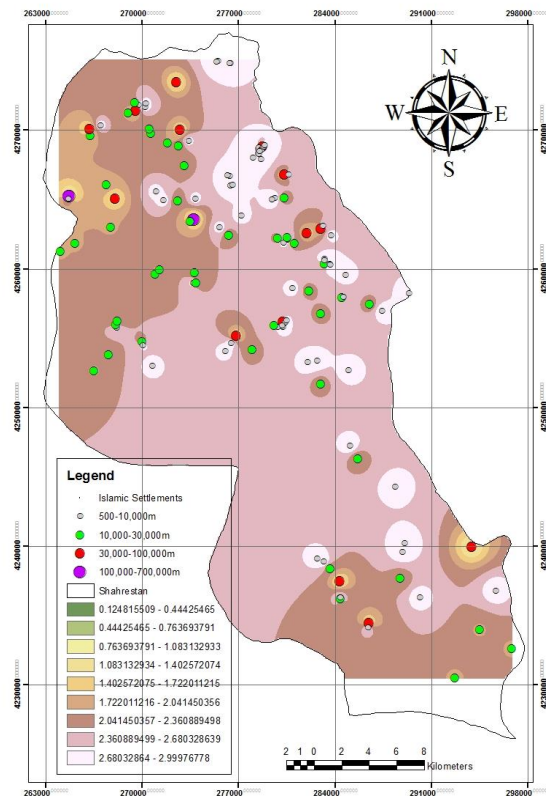
بعد از عهدنامه ترکمانچای و تفکیک مناطق طولش بین دولت‌های روس و ایران، تا اوایل سده اخیر اقتدار خوانین و حکومت‌های محلی منطقه کم‌کم رو به افول گذاشت و سرانجام پایان یافت دوری از مسیر ارتباطی و ایجاد سکونتگاه‌ها در مکان‌های با استتار بالا و چشم‌انداز و دید کافی توجه به امنیت بیشتر را می‌رساند، به‌ویژه ایجاد بسیاری از محوطه‌ها دور از دسترس و دید و در بافت جنگلی این ویژگی را تقویت می‌کند. این ویژگی را در محوطه‌های مرکزی و بزرگ‌تر می‌توان دید در کنار آن عشایر در بیلاق‌ها و قشلاق‌ها اتراق کرده و در طی فصول مختلف از طریق مسیرهای ارتباطی امن به مکان‌هایی با شرایط آب و هوایی مناسب‌تر کوچ می‌کنند. در این میان سکونتگاه‌های کوچرو و نیمه‌دائمی بر سر راه‌های ارتباطی قرار داشت که برخی به مرور زمان و شرایط سیاسی و اقتصادی روز به سکونتگاه مهم تبدیل شدند درحالی‌که سکونتگاه‌های دائمی و مرکزی بزرگی بودند که کمی بافاصله از مسیر ارتباطی ایجادشده‌اند. دلیل این امر باز می‌گردد به نا آرامی و بی‌ثباتی در قرون میانه اسلامی به‌طور

حالت حاشیه‌نشینی بودن اقوام عشایر و تا حدی وابستگی اقتصادی به آن‌ها و بسندگی اولویت‌های استقرارشان به معدودی عوامل محیطی مرتبط با دام‌هایشان از جمله آب کافی و پوشش گیاهی مرتعی که بیشتر در دشت‌های مرکزی و در دامنه کوه‌های کم ارتفاع و حاشیه رودهای شرق و شمال شرقی شهرستان جای گرفته‌اند. در حالی که محوطه‌های دائمی و مرکزی بیشتر در بخش‌های شمال غربی و غرب و جنوب (دور از راه ارتباطی و نزدیک چشمه آب به‌جای رود) متمرکزند. تمرکز برخی محوطه‌ها در دامنه به‌جای دشت‌های آبرفتی یا به دلیل امنیت در برابر عوامل طبیعی و انسانی است و یا به علت ناتوانی در شناسایی تمامی سکونتگاه‌های مدفون‌شده در رسوبات دشت‌های آبرفتی است. بخش‌های جنوبی و غربی شهرستان علاوه بر ساختار عشایری و کوچ روی در حاشیه رودها و واحه‌ها به‌صورت استقرارهای یکجانشینی و اقتصاد کشاورزی نیز استوار است با توجه به حجم بالای زمین‌های کشت آبی و دیم است که در ادامه شیوه زندگی کوچ روی است و مکان‌گزینی بر روی تپه‌ماهورهای مسطح و مرتفع‌تر از دشت‌های آبرفتی و تالابی پیرامون بوده است. عشایر در قشلاق‌ها تا جنگل‌ها و حتی دشت آبرفتی و حاصلخیز مرکز و جنوب شهرستان بهترین مکان‌ها برای سپری کردن در زمستان است و در تابستان‌ها از طریق مسیر رودها قره‌سو دشت اردبیل (از غرب) به سمت بیلاقات مرتفع در شمال شرق و شرق و تا سمت بیلاقات جنوب‌شرقی به کرانه‌های خزر کوچ می‌کردند ارتباط این محوطه‌ها با محوطه‌های مرکزی و بزرگ‌تر به‌واسطه محوطه‌های دائمی و کوچک‌تر صورت می‌گرفت و تبادل کالای موردنیاز و اراعه خدمات و ایجاد امنیت با کنار هم بودن و کلونی وار و یا زنجیروار صورت می‌گرفت.

سپاسگزاری

از کارکنان محترم اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل و شهرستان نمین به جهت همکاری و مساعدت در انجام

نزدیکی محوطه‌های کوچ‌رو به محوطه‌های مرکزی در برخی موارد نشان از ارتباط این محوطه‌ها به یکدیگر دارند؛ بدین‌گونه که امنیت و برخی اقلام توسط محوطه‌های مرکزی تأمین می‌شد. در مقابل باقی اقلام معیشتی و خورد و خوراک توسط محوطه‌های کوچ‌رو برای محوطه‌های مرکزی تهیه می‌گردید. محوطه‌های مرکزی در شیب اصلی پایه کوه قرار داشتند، در حالی که محوطه‌های کوچ‌رو و کوچک‌تر در شیب مقابل دره و پایه کوه روبه‌رو استقرار یافته بودند و بدین صورت سلسله مراتب نیز رعایت می‌گردید (شکل ۳).



شکل ۳: نقشه پراکنش و ارتباط محوطه‌های استقرار موقت نسبت به محوطه‌های مرکزی دائمی و وسیع‌تر (نگارنده، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

در قرون میانه اسلامی شاهد ظهور محوطه‌های مرکزی بزرگ و افزایش قابل توجه محوطه‌های کوچ‌رو هستیم. بیشتر سکونتگاه‌های کوچک‌تر و موقت بافاصله از محوطه‌های دائمی و در پیرامون محوطه‌های مرکزی پراکنده‌اند که نشان‌دهنده هم‌دوری از اقوام یکجانشین و

رامشت، محمدحسین (۱۳۸۹). فضا در ژئومورفولوژی. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۴(۱۴)، ۱۱۱-۱۳۶.

طایفه قهرمانی، نسرين، مافی، فرزاد، نجفی، آراز (۱۳۹۸). تحلیل نقش عوامل جغرافیایی در توزیع فضایی استقرارهای هزاره اول ق.م در حاشیه رودخانه پیغام چای آذربایجان شرقی کلبر. مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۳(۱۰)، ۸۵-۶۹. طبری، محمد (۱۳۶۸). تاریخ طبری. جلد ۵. به کوشش ابوالقاسم پاینده. تهران: نشر اساطیر.

طهماسبی، فریبرز (۱۳۹۸). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی قلعه یئل سویی اونگوت. اردبیل: اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.

علیزاده سولا، محمد (۱۳۹۵). گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان نمین. فصل اول بخش شمالی شهرستان. جلد اول و دوم. اردبیل: انتشارات میراث فرهنگی استان اردبیل.

علیزاده سولا، محمد، رضالو، رضا، حاجی‌زاده، کریم، افخمی، بهروز (۱۳۹۷). بررسی‌های باستان‌شناختی شرق آذربایجان فصل اول شمال شهرستان نمین استان اردبیل. مطالعات باستان‌شناسی، ۱۰(۲)، ۲۲۱-۲۳۸.

علیزاده، کریم (۱۳۸۶). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی اولتان قلعه‌سی مغان. نشر اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.

عرفانی نمین، لاله (۱۳۸۹). شکوه دیرین نمین. چاپ اول. تهران: نشر گوهر دانش.

گریشمن، رومن (۱۳۶۴). ایران از آغاز تا اسلام. مترجم: محمد معین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

محمدی، میر روح الله (۱۳۹۷). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی برزند قلعه‌سی گرمی. اردبیل: نشر اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.

محمدی، میر روح الله (۱۳۹۸). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی قلعه آلاجوق اونگوت. اردبیل: نشر اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.

طرح تحقیقاتی میدانی و از دوست ارجمندم جناب آقای دکتر محمد علیزاده به جهت در اختیار قرار دادن اطلاعات بررسی شمال شهرستان نمین بی‌نهایت سپاسگزارم. لازم به ذکر است، بخشی از این پژوهش برگرفته از رساله دکترای بابک بهشید تحت عنوان: «تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های قرون میانه اسلامی شهرستان نمین» است.

منابع

آشتیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: نشر نامک.

بلاذری، احمد (۱۳۶۴). فتوح البلدان، ترجمه: آیدین آذرنوش. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

بریون، مارسل (۱۳۹۷). منم تیمور جهانگشا. ترجمه: ذبیح‌الله منصوری. تهران: نشر بهزاد

بویل، جی. آ. (۱۳۸۵). تاریخ ایران کمبریج. جلد ۵. ترجمه: محمدحسن انوشه. تهران: نشر امیرکبیر.

سالنامه آماری استان اردبیل (۱۳۹۹). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. اردبیل. انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.

ستارنژاد، سعید (۱۴۰۰). گزارش کاوش باستان‌شناسی محوطه اوجاق آرتاویل تایر. نشر اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.

خاماچی، بهروز (۱۳۷۰). فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی. چاپ اول. تهران: سروش.

خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۳). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش. نشر اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان.

خنجی‌اصفهانی، فضل بن روزبهان (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای امینی. تصحیح محمداکبر عقیق. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

دیاکونف، ایگور میخایلوویچ (۱۳۸۱). تاریخ ماد. مترجم: کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

یوسفی، محرم، حقی نوجه‌ده، علی (۱۳۹۳). فرهنگ جغرافیائی شهرستان نمین. اردبیل: نشر شیخ صفی‌الدین.

De Morgan, J. (1905). Recherches au Talych Persaen 1901. In *Necropoles des ages du Bronze Et du fer. Mémoires de la délégation en Perse. Recherches Archéologiques*, 8, 251-342.

محمودی، فرج‌الله (۱۳۸۳). ژئومورفولوژی ساختمانی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

مستوفی، حمد‌الله (۱۳۸۱). *نزهت القلوب*. چاپ سوم. به کوشش محمد دبیر سیاقی. قزوین: حدیث امروز.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۹). *تاریخ یعقوبی*. جلد ۱. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی. چاپ ۱۱. تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

یوسفی، حسن (۱۳۹۸). *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی جمعه مسجد اردبیل*. اردبیل: نشر اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.